

مطالعه تطبیقی دفاع ضرورت و اکراه در حقوق

انگلستان، کانادا، امریکا و فرانسه*

نوشته: هوگ. ل. پرنٹ

ترجمه: علیرضا نقی پور**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*. Hugues. L. Parent. A Comparative Study Of The Principles Governin Governing Ofcriminal responsibility in ENGLAND, CANADA, The UNITED STATES and FRANCE, in international review of penalal law, Vol. 71, 1999, P 342 - 346.

** . دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و وکیل پایه یک دادگستری.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

انگلستان و کانادا

دفاع ضرورت در انگلستان موضوعی است که هنوز در محاکم قضایی، بحث‌انگیز می‌باشد.^۱ این دفاع در کانادا ابتدا در دعوای مورگن تالر علیه دادستان^۲ در سال ۱۹۷۶ به رسمیت شناخته شد. هر چند این رأی، مهم به شمار می‌رود اما مهمترین دعوایی که در این زمینه در کانادا مطرح شده دعوای دادستان علیه پرکا^۳ است. در این محاکمه، قاضی دیکسون^۴ به نام اکثریت، توضیح دقیق اصول بنیادی دفاع ضرورت را در کانادا برعهده گرفت.

تحلیل وی در این زمینه در خور توجه است: «شخص در اوضاع و احوالی که امکان یا انتخاب معقول دیگری برای وی وجود ندارد، در محضر دادگاه به عنوان دفاع چنین

۱. هنگامی که یک عمل زیانبار کوچکتر به منظور جلوگیری از یک عمل زیانبار بزرگتر ارتکاب یابد (مثلاً کشتن یک نفر به منظور نجات جان ۲۰ نفر) منافع ارتکاب این عمل بر عدم ارتکاب آن می‌چربد. این دفاع اخیراً توسط حقوق انگلستان، با عنوان «اکراه ناشی از اوضاع و احوال» پذیرفته شده است. شاخصه‌های این دفاع هنوز نامعین است، ولی واضح است که دفاعی برای قتل عمد محسوب نمی‌شود.

2. Morgentaler V. The Queen.

3. R. V. Perka.

4. Dicksonc. J.

می‌گوید که نمی‌توانسته به صورت ارادی با توجه به معنای اخلاقی یا هنجاری این واژه عمل کرده باشد. انتخاب وی به نقض قانون به هیچ وجه یک انتخاب واقعی نیست و با توجه به گزینه طبیعی بشری، به شدت تحت فشار قرار گرفته است.^۱ در بیان این مطلب که دفاع ضرورت، بر پایه «نظریه عمل ارادی» باقی می‌ماند، دادگاه عالی از طریق تحلیل اصولی مسؤلیت کیفری، اساس این دفاع را بر پایه یک نظم منطقی استوار نمود. قاضی دیکسون توضیح می‌دهد که چنین مفهومی با نظریه‌های قانونی، اخلاقی و فلسفی ما راجع به اینکه چه نوع اعمال مجرمانه‌ای و چه مرتکبانی باید مجازات شوند، سازش دارد. با اینکه دو دفاع ضرورت و اکراه را نمی‌توان کاملاً با یکدیگر یکی دانست،^۲ در حقوق جزا یک رابطه تنگاتنگ میان این دو دفاع وجود دارد. [در هر مورد متهم با یک انتخاب بین دو جایگزین قرار گرفته است، ولی یکی از جایگزینها آن قدر نامطبوع است که حتی نقض شدید قانون، مرجح به نظر می‌رسد]. لرد گلايسدل^۳ در دعوی لینچ^۴ می‌گوید تنها تفاوت میان این دو دفاع آن است که در مورد اکراه، فشار موجد عمل، ناشی از تهدید انسانی است ولی در مورد ضرورت، نیروی اجبار کننده، از هر اوضاع و احوال واقعی نشأت می‌گیرد.

در کانادا، دو دفاع ضرورت و اکراه بر پایه یک اصل مشابه یعنی این شرط که جرم

۱. دفاع اکراه زمانی قابل استناد است که متهم توسط شخص دیگری تهدید شود که اگر مرتکب جرم نشود با مرگ یا خشونت شدیدی مواجه خواهد شد. بنابراین، این دفاع از عذر ضرورت (و به شکل مهمتری از دفاع تغییر نام یافته ضرورت که اکراه ناشی از اوضاع و احوال است) با توجه به منشأ تهدید، جدا می‌شود.

2. Lord Glaisdale.

3. Lynch در این دعوا، متهم، راندگی اتومبیل اعضای ارتش جمهوری خواه ایرلند را - که مرتکب قتل شده بودند - بر عهده داشت و مدعی بود که به انجام دادن این کار مجبور شده است.

باید ناشی از یک انتخاب ارادی باشد، قرار دارند. این رویکرد بویژه توسط دادگاه استیناف ایالت کبک^۱ در دعوای دادستان علیه لانگ لویس^۲ تأیید شده است.

مطابق نظریه قاضی Fish، اینکه آیا عمل غیر قانونی از یک تهدید انسانی یا یک حالت ضروری ناشی شده است، اهمیتی ندارد بلکه در هر دو وضعیت، مجازات شخصی که در زمان ارتکاب عمل، امکان یا انتخاب معقول دیگری برای وی وجود ندارد، ممنوع است، بنابراین بر خلاف اغلب دفاعیات در حقوق جزای کانادا، ضرورت و اکراه باعث برداشته شدن قصد از متهم نمی‌شوند، بلکه با توجه به مفهوم اخلاقی یا هنجاری این واژه، عمل ارادی وجود ندارد. اعمال ارتكابی اضطراری یا اکراه‌آمیز، غیر قاصدانه نیستند، ولی با توجه به اینکه هیچ‌کس این اعمال را - اگر واقعاً اجتناب‌پذیر باشند - انجام نمی‌دهد، غیر ارادی محسوب می‌شوند. ارتباط میان قصد جزایی و دفاع اکراه بدقت توسط لرد موریس^۳ در دعوای دادستان ایرلند علیه لینچ^۴ مورد بررسی قرار گرفته است. وی معتقد است:

«شخصی که با اکراه عمل می‌کند ممکن است در یک لحظه از زمان - حتی در کوتاهترین مدت زمانی - تصمیم بگیرد که تسلیم تهدید شود یا خیر. ممکن است حالت هوشیاری یا نیمه هوشیاری مرحله شتابانی از سنجش عواقب عدم اطاعت در برابر شدت یا شروانه بودن عمل خواسته شده باشد. در نتیجه، آنچه که انجام شده، غالباً از روی بی میلی، ولی قاصدانه صورت می‌پذیرد». در نهایت، اعمال ارتكابی تحت اجبار، اکراه یا ترس، مستقیماً مخالف ارادی بودن عمل هستند همان‌گونه که مخالف طبیعی بودن عمل نیز می‌باشند. سن توماس داکن می‌گوید: «مخالف طبیعی بودن، غیر طبیعی بودن است بنابراین آنچه برخلاف خواست شخص می‌باشد، غیر ارادی است و از آنجایی که

1. Quebec Court Of Appeal.

2. R. V. Long lois.

3. Lord Morris.

4. O. P. P. For Northerniveland V. Lynch.

جرم بدون خواست شرورانه به وجود نمی‌آید، این گونه اعمال باید از شمول مسؤولیت کیفری، مستثنا شوند.»

ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده، دفاع ضرورت بر پایه این اصل استوار است که قانون نباید افعال غیر ارادی را مجازات کند. از این رو، این دفاع، تنها در اوضاع و احوالی که خطر قریب الوقوعی وجود داشته باشد و فعل غیر قانونی برای جلوگیری از خطر بزرگتر ارتکاب یابد اعمال می‌شود. از دیدگاه قضایی، ضرورت یک عامل موجهه شناخته شده است، زیرا باعث می‌شود فعل ارتکابی، جرم محسوب نشود.

در تعریف دفاع ضرورت، قانون جزای نمونه مقرر می‌دارد: «فعلی که مرتکب باور دارد لازم است انجام شود تا جلوی ضرر یا صدمه‌ای را نسبت به او یا دیگری بگیرد در شرایط زیر موجه خواهد بود:

الف) با توجه به تعریف قانونی عمل ارتکابی، ضرر یا صدمه‌ای که قرار است با چنین عملی جلوی آن گرفته شود بزرگتر از صدمه و ضرری است که به وسیله فعل شخص به وجود می‌آید.

ب) قانون جزای نمونه و سایر قوانینی که جرم را تعریف کرده‌اند، هیچ‌کدام، استثنائات یا دفاعیاتی را که در ارتباط با آن شرایط خاص می‌باشند، مقرر نکرده‌اند.^۱

ج) هدف قانونگذار این است که این عامل موجهه، استثنا تلقی شود و در غیر از شرایط مقرر در قانون به عنوان عامل موجهه شناخته نشود.»

در مقایسه با دفاع ضرورت که متهم مجبور می‌گردد به منظور جلوگیری از یک ضرر

۱. قسمت اول تبصره ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ به عنوان استثناء مقرر کرده بود: «کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر هستند مشمول مقررات این ماده نیستند.» به عبارت دیگر، این عده نمی‌توانستند به عنوان دفاع ضرورت متوسل شوند.

مستقیم و فوری، مرتکب جرم شود، دفاع اکراه، اراده آزاد متهم را به وسیله اعمال فشاری که وی قادر به مقاومت در برابر آن نیست، زایل می‌کند.

دفاع اکراه در ایالات متحده - نه به عنوان یک عامل موجهه بلکه به عنوان یک عذر - مطرح گردیده است. مثلاً در دعوای توسکانو^۱ مقرر گردید دفاع اکراه بجز در اتهام قتل عمد پذیرفته شود،^۲ زیرا مرتکب از طریق استفاده یا تهدید به استفاده از «قوه قهریه غیر قانونی» علیه خود یا دیگری، تحت چنان اجباری قرار گرفته است که یک شخص متعارف در چنین وضعیتی نمی‌توانست در برابر آن مقاومت کند. همانند حقوق کانادا، قانونگذاران ایالات متحده، نسبتاً به شکل مشخصی، قواعد حاکم بر دفاع اکراه را مدنظر قرار می‌دهند. همچنین به رغم نظریه قابل انعطاف مندرج در قانون جزای نمونه و دعوای توسکانو، اغلب دادگاهها این شرط را که تهدید مذکور باید فوری، قریب الوقوع یا آنی باشد حفظ می‌کنند.

در ایالات متحده، عدم مسؤولیت کیفری و اخلاقی متهم در موارد اکراه، براساس یک معیار عینی ارزیابی شده است. ماده ۲/۰۸ قانون جزای نمونه، در مورد کسی که از طریق استفاده یا تهدید به استفاده از قوه قهریه غیر قانونی علیه خود یا دیگری، به ارتکاب عمل مجرمانه‌ای مجبور شده است و هیچ شخص متعارفی در وضعیت وی قادر نیست در برابر آن مقاومت کند، اکراه را یک دفاع قابل قبول پذیرفته است. قاضی Pasham در دعوای توسکانو این گونه اظهار نظر نمود که ترس - به عنوان منشأ فعل ارتكابی - باید بر روی یک شخص متعارف بردبار و شجاع که به درستی تسلیم آن گردد، بررسی شود.

هر چند فعل متهم در ارتباط با دفاع اکراه، باید با توجه به معیار عینی مورد ارزیابی واقع شود، این موضوع نیز اهمیت دارد که این معیار، کاملاً خارج از استنباط مرتکب از

1. Toscano

در این دعوا، بدون برقراری هیچ‌گونه شرطی، اکراه به عنوان دفاع

در قبال کلیه جرایم به غیر از قتل عمد شناخته شده بود. (م)

۲. در حقوق انگلستان نیز، اکراه مجوزی برای قتل عمد محسوب نمی‌شود. (م)

اوضاع و احوال قضیه مذکور نیست. در واقع انجمن حقوقی ایالات متحده در تفاسیر خود نسبت به دفاع اکراه اظهار می‌دارد محاکم باید ویژگیهای شخصی را از قبیل بلندی قد، قدرت بدنی، سن و سلامتی مرتکب جرم که منجر به تفاوتیایی میان وی و سایر افراد می‌شود، مدنظر قرار دهند.

فرانسه

ماده ۷-۱۲۲ قانون جدید کیفری مقرر می‌دارد:

«اگر خطر صدمه یا ضرر به مرتکب جرم یا دیگری، قریب الوقوع بوده یا فعلیت^۱ داشته باشد، مسؤولیت کیفری منتفی است مشروط بر این که: الف) ارتکاب جرم برای محافظت از شخص یا مال ضروری بوده باشد و ب) میان ضررهای متقابل، تناسب وجود داشته باشد.»

برخلاف دفاع اکراه که به واسطه قوه قهریه طبیعی یا تهدید به ایجاد صدمه و ضرر بر ذهن متهم اثر می‌گذارد، عذر ضرورت، به دلیل اوضاع و احوال، آزادی مرتکب را از بین می‌برد، از لحاظ روانی، دو دفاع اکراه و ضرورت، دو شرح مختلف از دیدگاه مورد نظر ما در مورد عدم تقصیر متهمی است که آزادی انتخاب وی در لحظه ارتکاب جرم متوقف گردیده است. بنابراین تعجب‌آور نیست که نحوه اعمال این دو دفاع به صورت عمده‌ای از یک سری اصول و شرایط یکسان تبعیت می‌کند. از نظر قانون فرانسه، دفاع ضرورت فقط در اوضاع و احوالی که خطر قریب الوقوع یا فعلی وجود داشته باشد، اعمال می‌گردد. خطر باید مستقل از خواست متهم باشد^۲ و فعل وی هم با ضرری که از آن جلوگیری شده

1. Objective Standard

بنابراین اگر خطر در گذشته بوده و به اتمام رسیده باشد، نمی‌توان

به این دفاع متوسل شد. (م)

۲. در ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی نیز این شرط که مرتکب عمداً خطر را ایجاد نکرده باشد،

لحاظ گردیده است. (م)

تناسب داشته باشد. به عبارت دیگر، تنها اگر اوضاع و احوال به وجود آورنده جرم، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل مقاومت باشند، متهم از مسؤولیت کیفری معاف می‌شود. جورج ویدال^۱ در این زمینه می‌نویسد: «مسؤولیت زمانی مستقر می‌شود که شخصی که به ارتکاب عمل مجرمانه تهدید شده است از آزادی انتخاب برخوردار باشد.» با توجه به این اصل، ماده ۲-۱۲۲ مقرر می‌دارد: «اگر مرتکب عمل مجرمانه تحت تأثیر قیه قهریه یا تهدیدی که نمی‌توانسته در مقابل آن مقاومت کند، قرار داشته باشد، مسؤولیت کیفری نخواهد داشت.» عملاً فشار وارده بر ذهن متهم در عمل باید شدید و حتمی الوقوع باشد. منشأ تهدید برای دادگاهها نسبتاً بی‌اهمیت است. ولی دادگاهها مقرر کرده‌اند که فشار باید به قدر کافی قوی باشد تا متهم را از آزادی انتخاب محروم کند و متعاقباً توان وی را برای عمل ارادی از بین ببرد.



1. Georges Vidal.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی